

معمای جنایی

راز قتل مرد میانسال در دفتر کار

عکسی که کارآگاهان از محل وقوع جنایت تهیه کردند



پاسخ‌ها یتان را از طریق پیامک به شماره ۰۹۹۶۳۱۳۷۵۶۵ ارسال کنید. به ۳ نفر از افرادی که پاسخ درست را ارسال کرده باشند به قید قرعه کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

به قتل رسیده و خود را رساندم.

سؤال

کار آگاه از هر سه نفر خواست تا وسایل شخصی خود را روی میز بگذارند. نگاهی دوباره به عکس‌های صحنه که با گوشی گرفته بود انداخت و سپس یکی از آنها را به اتهام قتل بازداشت کرد. شما بگویید چه کسی را؟ و به چه دلیل؟

هادی مصطفایی کارآگاه یکم

به تیم بررسی صحنه قتل اطلاع دادند که یک فرد میانسال در دفتر کار خود با شلیک گلوله به قتل رسیده است. کار آگاه به همراه تیم به محل اعزام شد. دفتر مورد نظر یک مرکز آموزش رانندگی بود که در منطقه نوساز شهری و در یک بلوار قرار داشت. هنوز قسمت‌های زیادی در آن منطقه ساخته نشده بود و چند ساختمان دیگر هم نیمه‌کاره و در حال ساخت بودند. در طبقه همکف چند میز و صندلی برای انجام کارهای ثبت نام مراجعین و غیره پیش‌بینی کرده بودند. تیم طبقه‌ای هم در قسمت بالای همکف قرار داشت که دفتر مدیر شرکت محسوب می‌شد. در گوشه دفتر بالا، یک زیرانداز پهن بود و وسایل چای و استعمال مواد روی آن دیده می‌شد. کار آگاه با کسی که متوجه قتل شده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود صحبت کرد. آبدارچی شرکت و شریک مدیر هم در صحنه حاضر بودند. با ماموران هماهنگ کرد که هر سه را به اداره آگاهی ببرند.

اطهارات آبدارچی: ... ساعت حدود ۷ عصر همه رفتند، من هم طبق معمول وسایل چای و مصرف مواد را برای مدیر و شریک وی فراهم کردم. ساعت هفت و نیم گفتم اگر کاری ندارید من بروم. گفتند برو. با موتورسیکلت خودم را به خانه رساندم. دقیقی بعد از ساعت ۹ بود که همسر مقتول تماس گرفت و گفت شوهرش جواب تلفن رانمی‌دهد و از من پرسید خبری دارم یا نه. من هم گفتم که هفت و نیم به خانه آمده‌ام و او با شریک در شرکت بودند. تا اینکه ساعت نزدیک ده و نیم برادر وی تماس گرفت و گفت در شرکت بسته و ماشین برادرش جلوی شرکت است. از من خواست تا کلید را ببرم و در را باز کنیم.

اطهارات برادر: ... ساعت حدود نه و نیم همسر برادرم تماس گرفت. او نگران بود. گفت که شوهرش جواب تلفن را نمی‌دهد و امشب قرار بود به موقع بیاید تا برویم برای دخترم که شاگرد اول شده گوشی بخریم... او با شریک و آبدارچی هم صحبت کرده بود و آنها گفته بودند که با وی در شرکت کار خداحافظی کرده‌اند. خودم را به محل رساندم، با آبدارچی تماس گرفتم که

پاسخ معمای شماره یک

کار آگاه با بررسی نشانه‌ها در صحنه جرم و رویت آزمایش محتویات لیوان‌ها چند سرخ مهم پیدا کرد: نوشیدنی‌ها سومی بودند. غلظت سم در لیوانی که نوشیدنی آن کم‌رنگ‌تر بود، بیشتر بود. کار آگاه نتیجه گرفت غیر از نوشیدنی که از دکه خریداری شده، چیز دیگری هم به لیوان‌ها اضافه شده. ادامه بررسی‌ها کار آگاه را مطمئن کرد به نوشیدنی‌ها بیخ اضافه شده. اول اینکه دکه‌دار اظهار کرده یخچالش خراب بوده و نوشیدنی‌ها را گرم فروخته و در آن هوای گرم نوشیدنی باید خنک می‌شده. دوم قسمتی از رومیزی خیس بود، وقتی یک ظرف حاوی یخ باشد و در محلی گرم و مرطوب قرار گیرد روی دیواره بیرونی قطرهای آب تشکیل شده و پایین می‌ریزد و این لک مربوط به ظرف یخ است که آنجا قرار داشته. سوم در صحنه جرم، جایخی شسته شده دید. با توجه به این سرخ‌ها کار آگاه یقین پیدا کرد سم در یخ‌ها بوده و پس از اضافه شدن به نوشیدنی‌ها آب شده و سم هم در آنها حل شده است. آرش به خاطر گرما نوشیدنی را قبل از آب شدن کامل یخ‌ها خورده. به همین علت نوشیدنی او بعد از آب شدن یخ‌ها قوی‌تر شده و خودش هم کمتر مسموم شده. کار آگاه حمید را به عنوان قاتل دستگیر کرد چون او اعلام کرده یخچال باغ خالی است و دوستانش حتما نوشیدنی می‌خرند. او پس از ورود به صحنه جرم در حالی که دوستانش در حال دادن بده‌اند جایخی را شسته تا ماجرای یخ‌های سمی را از دید دیگران پنهان کند. انگیزه قتل: این سه نفر در همان کوه نزدیک باغ دنبال گنج بودند و نشانه‌هایی هم پیدا کرده بودند، حمید برای اینکه آن دورا از سر راه بردارد نقشه قتل را کشید.

برندگان

۹۶ نفر از

شرکت کنندگان در معمای پلیسی شماره یک پاسخ درست را برای همشهری سرخ ارسال کرده بودند که به قید قرعه ۳ نفر از آنها به شماره‌های: ۰۹۵۸۲ * ۰۹۱۲ * ۰۶۰۶۵ * ۰۹۱۲ * ۰۵۳۹۹ * ۰۹۳۳ * برنده کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی شدند.

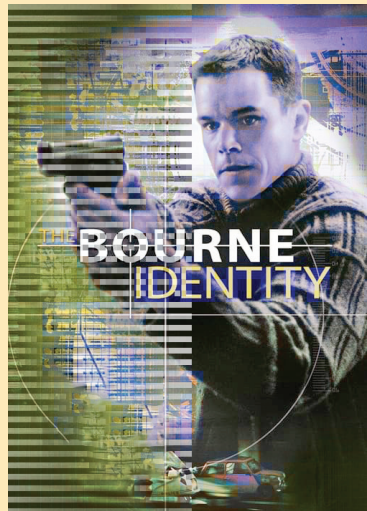
سراسر حادثه

سعید مروتی، روزنامه نگار: از محبوب‌ترین سری فیلم‌های جاسوسی - پلیسی که از نخستین قسمت با اقبال عمومی مواجه شد و دنباله‌هایش هم در جذب تماشاگر موفق عمل کردند، نخستین قسمت از سری فیلم‌های بورن، با نام «هویت بورن» سال ۲۰۰۲ روی پرده آمد و چشم‌ها را خیره کرد. ماجرای مأموری اطلاعاتی به نام جیسون بورن که مأمور متبحری



فیلم پلیسی

در به سرانجام رساندن عملیات‌های پیچیده جاسوسی است ولی در میانه یک عملیات حافظه خود را از دست داده است. همه آنچه به عنوان تلاش‌های بورن برای خروج از بحران و به یاد آوردن گذشته و بازیابی هویتش می‌بینیم، محصول دستمایه غنی داستانی هستند. اقتباسی از رمان رابرت لودلوم که توسط تونی گیلروی و ویلیام بلیک هیرون، به فیلمنامه‌ای پر از جزئیات انجامیده که در آن حادثه همان قدر مهم است که شخصیت پردازی. هویت بورن به عنوان یک فیلم اکشن‌های مشابه را ندارد و در آن داستان گویی فدای قهرمان پردازی نشده است. مت دیمون در یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های کارنامه‌اش که آغازگر مسیری تازه در مسیر کاری‌اش است، انگ نقش است و مسئله شخصی‌اش (بازیافتن هویت) انطباق کامل با مجموعه رخدادهایی دارد که در طول اثر، تعلیق و هیجان را برای تماشاگر به ارمغان می‌آورد. قهرمان زخم خورده‌ای که نمی‌داند کیست و گذشته‌اش را به یاد نمی‌آورد در مواجهه با مجموعه‌ای از بحران‌ها برای بقا ناچار است با طی طریق در مسیر مجموعه‌ای پیچیده از رخدادها، هویت از دست رفته‌اش را بازیابد. سکانس‌های تعقیب و گریز فیلم نفس‌گیر از کار درآمده است. هویت بورن حکم معارفه‌ای برای ورود به دنیای خطرناک جاسوس‌ها و مأمورانی دارد که اهداف تعریف شده را دنبال می‌کنند؛ فتح بای که با «برتری بورن» (۲۰۰۴) و «ولتیماتوم بورن» (۲۰۰۷) جلوه‌های تازه‌ای از مأموریتی بالاتر از خطر را نمایان می‌کنند. فن‌سالاری در ۲ قسمت بعدی بورن مشهودتر است و در عوض هویت بورن، ملموس‌تر به نظر می‌رسد. «میراث بورن» (۲۰۱۴) و «جیسون بورن» (۲۰۱۶) دنباله‌های بعدی، بیشتر بر آکسیون متمرکزند و البته همچنان از هویت بورن ارتقا می‌کنند.



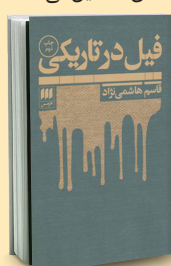
فیل در تاریکی

علی‌الله سلیمی، روزنامه نگار: کتاب «فیل در تاریکی» نوشته قاسم هاشمی نژاد یکی از آثار شاخص جنایی و پلیسی در ادبیات فارسی است که سال ۱۳۵۸ برای نخستین بار به صورت کتاب به چاپ رسید؛



کتاب پلیسی

داستان مقابله جلال امین با باندی تهپکار در تهران آن دوره و تلاش او برای گرفتن انتقام خون برادرش حسین که توسط آنها به قتل رسیده است. جلال امین شخصیت اصلی داستان، گاراژداری قدیمی است که برادرش حسین در آلمان تحصیل می‌کند. حسین در بازگشت برای جلال یک اتومبیل بنز آخرین مدل می‌آورد. شبکه‌ای تهپکار بدون اطلاع حسین در ماشینش هروئین جاسازی کرده‌اند و پس از ورود اتومبیل به ایران به دنبال آن هستند. حسین به دست تهپکاران به قتل می‌رسد و جلال برای گرفتن انتقام او، به مقابله با آنها می‌پردازد. در این رمان، فضای شهر فضایی ترسناک و نمور با خیابان‌هایی نم گرفته است و جای تأکید بر ماجراهای جنایی بر حالات درونی و انگیزه‌های روانی شخصیت‌ها تأکید می‌کند. نثر اثر از زیبایی و جذابیت خاصی برخوردار است و دلیل آن استفاده نویسنده از



لهجه‌های مختلف زبان فارسی است مانند لهجه‌های ارمنی، شیرازی و تهرانی. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «جلال امین وقتی حساب کرد دید همه چیز باید صبح همان روزی شروع شده باشد که ماشین او را دم خانه‌اش در باغ صبا خالی کرده بودند. ساعت هفت صبح بود، روز اول چار-چار و بیرون سرما بیداد می‌کرد و نمور بود. چون که آسمان بار بود، دم باریدن و یک هفته بود همه منتظر بودند و نمی‌بارید. جلال امین کلید در قفل پیکان پنجاه و یک سرمایه‌اش انداخت دید در قفل نبود. فکر کرد شاید از حواس پرت در را دیشب نیسته رفته بود. دقت کرد دید بادشکن سمت چپ را میله انداخته بودند لولاش را شکسته بودند. بادشکن هرز بود.»